

میزگرد

اطلاعات با اهمیت؛ موارد افشا و نحوه ارائه در تهیه صورت‌های مالی

بر مبنای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

هدف صورت‌های مالی فراهم آوردن اطلاعات سودمند برای سرمایه‌گذاران در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری است. با وجود این، برای شرکتها، فراهم ساختن این اطلاعات کار ساده‌ای نیست و با چالش‌های مهمی روبه‌روست.

بررسی‌های انجام‌شده حکایت از آن دارد که سه نوع دل‌وایسی درباره ارائه اطلاعات در صورت‌های مالی وجود دارد؛ نبود اطلاعات مربوط کافی، اطلاعات نامربوط بیش از حد، و انتقال اطلاعات به‌طور غیر مؤثر.

اطلاعاتی مربوط است که توان آن را داشته باشد تا در تصمیم‌هایی که به‌وسیله استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی گرفته می‌شود، مؤثر باشد. اگر صورت‌های مالی اطلاعات مالی مربوط کافی فراهم نسازد، استفاده‌کنندگان از آن ممکن است تصمیم‌های نادرست در سرمایه‌گذاری یا وام‌دهی بگیرند. اطلاعات نامربوط، نامطلوبند زیرا صورت‌های مالی را درهم می‌ریزند؛ که در نتیجه آن ممکن است اطلاعات مربوط از چشم بیفتد یا پیدا کردن آن سخت، و فهم صورت‌های مالی دشوار شود. اطلاعات نامربوط، ممکن است هزینه‌های جاری غیر لازم به فرایند تهیه صورت‌های مالی اضافه کند.

اگر اطلاعات به‌طور غیر مؤثر منتقل شود، فهم صورت‌های مالی را سخت و تحلیل آن را زمان‌بر می‌سازد. افزون بر آن، استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، ممکن است اطلاعات مربوط را ندیده بگیرند یا کوشش آنان برای تعیین روابط بین اقلام اطلاعات موجود در بخشهای مختلف صورت‌های مالی عقیم بماند. بررسی‌های انجام‌شده، درباره مشکلات ارائه اطلاعات در صورت‌های مالی، نشان می‌دهد که واحدهای اقتصادی، حساب‌سازان، و مراجع نظارتی، پیش از هر چیز، به صورت‌های مالی به‌چشم مدارک رعایت مقررات نگاه می‌کنند تا ابزار انتقال اطلاعات به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی. حسابداران، گاهی الزامهای افشای استانداردهای حسابداری را به‌صورت مکانیکی به‌کار می‌برند و از آنها به‌عنوان صورتی برای جان‌فقدان افشا استفاده می‌کنند.

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)، بر اساس بازخوردهای دریافتی پیرامون مشکلات افشا و ارائه اطلاعات در صورت‌های مالی، چند پروژه برای اصول افشا، با عنوان کلی «انتقال بهتر اطلاعات»، برای بهبود اثربخشی افشا در صورت‌های مالی تعریف کرده است.

• در دسامبر ۲۰۱۴، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، اصلاحات **استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ (IAS 1)** را منتشر ساخت. در این اصلاحات کم‌دامنه، الزامهای استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ برای اهمیت، ترتیب یادداشتهای توضیحی، جمع‌های فرعی در صورت‌های مالی اساسی، و افشای رویه‌های حسابداری، شفاف‌سازی شده است. اصلاحات یادشده، از اول ژانویه ۲۰۱۶ الزامی است.

• در ژانویه ۲۰۱۶، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، اصلاحات **استاندارد بین‌المللی حسابداری ۷ (IAS 7)** را منتشر ساخت. در این اصلاحات کم‌دامنه، افشای تغییرات در بدهیهای ناشی از فعالیتهای تأمین مالی، در صورت جریانهای وجوه، از اول ژانویه ۲۰۱۷ الزامی شده است.

• هیئت، برای پرداختن به مشکلات اشاره‌شده پیرامون «نبود اطلاعات مربوط کافی، و اطلاعات نامربوط بیش از حد»، **بیانیه حرفه‌ای ۲ (PS 2)** غیرالزام‌آور با عنوان «انجام قضاوت پیرامون اهمیت» را در سپتامبر ۲۰۱۷ منتشر ساخت. این بیانیه حرفه‌ای، پیرامون چگونگی استفاده از قضاوت در زمان انتخاب اطلاعات برای تهیه صورت‌های مالی با مقاصد عمومی، رهنمود فراهم ساخته است.

• هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، در مارس ۲۰۱۸، مجموعه مفاهیم جامعی برای گزارشگری مالی، با عنوان «چارچوب مفهومی برای گزارشگری مالی» منتشر ساخت، که جایگزین نسخه پیشین شد که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده بود.

• شرکتها و تحلیلگران، از سنجه‌های عملکرد متفاوتی برای صورت‌های مالی استفاده می‌کنند؛ بدون اینکه روشن کنند که چه اطلاعاتی در این سنجه‌ها به‌کار رفته یا نرفته است. یکی از مهمترین این سنجه‌ها، **سود قبل از مالیات و بهره است (EBIT)**. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، با تعریف پروژه «صورت‌های مالی اساسی» در پی آن است که آیا می‌تواند الزامهای ارائه جدیدی برای صورت‌های عملکرد مالی تهیه کند، و یا این که گزینه‌های ارائه در اقلام صورت عملکرد مالی و صورت جریانهای وجوه را برای ساده‌تر کردن مقایسه عملکرد شرکتها، کاهش دهد. در این ارتباط، انتظار می‌رود در فصل اول سال ۲۰۱۹ **مقاله‌ای برای بحث (DP)** یا **پیشنویس پیشنهادی (ED)** منتشر شود.

• هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، در نظر دارد رهنمود و مثالهایی برای کمک به واحدهای اقتصادی برای به‌کارگیری قضاوت درباره اهمیت در

شرکت‌کنندگان در این میزگرد به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از:

دکتر سعید اسلامی بیدگلی

دبیر کانون نهادهای سرمایه‌گذاری ایران

عضو شورای عالی بورس



مرتضی اسدی

عضو هیئت‌عامل سازمان حسابرسی



دکتر یدالله مکرمی

سر دبیر مجله حسابرسی



جلال بهبودی

مدیرکل حسابداری مدیریت

شرکت ارتباطات سیار ایران



غیریکنواخت در مورد مدل‌های کسب‌وکار، گزارشگری کوتاه‌مدت در مورد راهبرد کسب‌وکار.

انتظار می‌رود پیش‌نویس پیشنهادی هیئت در نیمه اول سال ۲۰۲۰ منتشر شود.

میزگرد این شماره مجله حسابرسی به موضوع «اطلاعات بااهمیت؛ موارد افشا و نحوه ارائه» اختصاص دارد و پرسش‌های زیر برای طرح در میزگرد و مصاحبه با صاحب‌نظران در نظر گرفته شده است:

۱- در ایران، شکل ارائه و محتوای صورتهای مالی اساسی و یادداشتهای توضیحی براساس نمونه منتشر شده به‌وسیله سازمان حسابرسی، تعیین شده است. آیا صورتهای مالی یادشده، نیازهای اطلاعاتی سودبران برای تصمیم‌گیری اقتصادی را به‌طور کامل فراهم می‌سازد؟ براساس بازخوردهای دریافتی از شرکتهای و حساب‌رسان و مراجع نظارتی، و همچنین بهره‌برداران، این صورتهای چه مشکلات و کمبودهایی دارد؟

۲- استانداردهای حسابداری ایران (مفاهیم نظری، استاندارد ۱، و استاندارد ۳۴)، به روشن ساختن مفهوم اهمیت پرداخته است. پیچیدگی مفهوم اهمیت، چه مشکلاتی را برای تهیه‌کنندگان صورتهای مالی و حساب‌رسان در ایران به‌وجود آورده است؟ چه پیشنهادی برای شفاف‌سازی مفهوم اهمیت و کمک به بهبود

یکنواختی در به‌کارگیری این مفهوم، دارید.

۳- تهیه صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از نظر شکل و نحوه ارائه صورتهای مالی و یادداشتهای توضیحی، با چه مشکلات و پیچیدگیهایی همراه خواهد بود؟ چه پیشنهادی برای کاهش و رفع مشکلات احتمالی دارید؟

رویه‌های حسابداری تهیه‌کنند. رهنمودی که در بیانیه حرفه‌ای ۲ گنجانده شده است، به‌کارگیری «فرایند چهارگامی اهمیت» در افشای رویه‌های حسابداری را توضیح و نشان می‌دهد. فرایند چهارگامی اهمیت، در بیانیه حرفه‌ای ۲ با عنوان «انجام قضاوت پیرامون اهمیت» تشریح شده است.

• هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، در سپتامبر ۲۰۱۷، پیش‌نویس پیشنهادی با عنوان «تعریف اهمیت» را منتشر ساخت. هیئت در نظر دارد تعریف «اهمیت» را شفاف و همسو سازد و در مواردی که در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) استفاده می‌شود، رهنمودی برای کمک به بهبود یکنواختی در به‌کارگیری این مفهوم منتشر کند.

• در ماه مارس ۲۰۱۷ هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، در پاسخ به دلواپسی‌ها درباره ارائه اطلاعات در صورتهای مالی، سندی برای بحث با عنوان «اصول افشا» منتشر ساخت. محور این پروژه پژوهشی، توسعه اصول جدید افشا یا شفاف‌سازی اصول موجود، برای پاسخگویی به آن مباحث بود.

• در نوامبر ۲۰۱۷، هیئت تصمیم گرفت بیانیه حرفه‌ای ۱ با عنوان «گزارش تفسیری مدیریت» را که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده بود، بازنگری و به‌هنگام سازد. بیانیه یادشده، توجه به مسائل زیر را در بر می‌گیرد:

○ پیشرفتهای دیگر در ابتکارهای مرتبط با گزارشگری مشروح؛ برای مثال اصول تمرکز بر منابع حیاتی برای کسب‌وکار، و ایجاد ارزش درازمدت،

○ شکاف پذیرفته‌شده در رویه گزارشگری مشروح؛ برای مثال چالش‌های گزارشگری اطلاعات آینده‌نگر، گزارشگری

چشم‌انداز آینده جریانهای نقدی خالص واحد تجاری، و دیگری ارزیابی عملکرد مدیریت است.

برای تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان، صورتهای مالی مرتب پیچیده‌تر شده، و اطلاعات و موارد افشای مناسب و مربوط و باکیفیت هم برای استفاده‌کنندگان، روزبه‌روز اضافه می‌شود.

در حال حاضر موارد افشا بیشتر سنتی و عددی و کمی است، در حالی‌که اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان، بیشتر کیفی و آینده‌نگر، و یا در مورد ریسک و برآوردها و قضاوتی است. موارد افشای کنونی در صورتهای مالی، به‌صورت خشک و مکانیکی، تهیه و ارائه می‌شوند. «رویه‌های حسابداری» را افشا می‌کنیم، و مبانی اندازه‌گیری را توضیح می‌دهیم. «اجزای اقلام صورتهای مالی اصلی» را به‌صورت اعداد و ارقام و به‌صورت جدول در یادداشتهای افشا می‌کنیم. اما، برای نمونه، در افشای رویه‌های حسابداری، دلایل انتخاب رویه‌ها را برای استفاده‌کنندگان توضیح نمی‌دهیم.

در صورتهای مالی تلفیقی، برای مثال درصد مالکیت کمتر از اکثریت است، اما تلفیق انجام شده، یا عکس آن، درصد مالکیت اگرچه بیشتر از اکثریت است، اما تلفیق انجام نشده است؛ اینها مواردی است که شاید برای استفاده‌کنندگان مفید باشد که بدانند چرا چنین برخوردی صورت گرفته است. چرایی چنین تصمیمی، در صورتهای مالی افشا نمی‌شود که «قضاوتها و دلایل» آنها چه چیزی بوده است. به‌نظر من در ایران در یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی، افشای مناسب در رابطه با موارد کیفی و توصیفی به‌نحو مطلوب انجام نمی‌شود. «مدلها، مفروضات و ورودیهایی» که برای ارزشگذاری در صورتهای مالی استفاده می‌کنیم، باید افشا شود؛ به‌خصوص مواردی که برای کاهش ارزش داراییها استفاده می‌شود. آزمون کاهش ارزش با استفاده از چه مدل و مبنایی انجام شده است؛ به‌ندرت دیده‌ام این نوع مطالب در یادداشتهای توضیحی افشا شده باشد.

«ریسکها و موارد ابهام راجع به منابع و تعهدهای شناسایی شده و شناسایی نشده» باید افشا شود. راجع به ریسکها، در صورتهای مالی، اطلاعات بسیار کمی افشا می‌شود، و در صورتهای مالی نمونه هم چیزی برای آن نداریم. در صورتهای مالی نمونه‌ای

✓ دکتر مکرمی

خیلی خوش آمدید. اولین پرسش را برای آغاز گفتگو با شما در میان می‌گذارم. در حال حاضر در ایران شکل ارائه و محتوای صورتهای مالی اساسی و یادداشتهای توضیحی به‌طور عمده براساس نمونه منتشرشده به‌وسیله سازمان حسابرسی است. آیا صورتهای مالی نمونه سازمان حسابرسی که به‌وسیله شرکتها تهیه می‌شود، نیازهای اطلاعاتی سودبران برای تصمیم‌گیری اقتصادی را به‌طور کامل فراهم می‌کند؟ براساس بازخوردهای دریافتی از شرکتها، حسابرسان، مراجع نظارتی، بهره‌برداران، این صورتهای چه مشکلاتی و چه کمبودهایی ممکن است داشته باشد؟

✓ اسدی

هدف از گزارشگری مالی، تهیه اطلاعات برای استفاده‌کنندگان است که در تصمیم‌گیری‌هایشان درباره تأمین منابع برای واحد تجاری مفید باشد. استفاده‌کنندگان به‌طور معمول سه نوع تصمیم می‌گیرند.

یکی، خریدوفروش یا نگهداری حقوق مالکانه یا ابزار مالی، دیگری تأمین وام یا تأمین اعتبار، و سومی، رأی‌دادن و یا به‌روشهای دیگر تأثیرگذاری بر اقدام مدیریت است.

استفاده‌کنندگان، برای تصمیم‌گیری، نیازمند انجام ارزیابی هستند. دو ارزیابی مهم استفاده‌کنندگان، یکی ارزیابی

اسدی:

متأسفانه

حسابرسی چک‌لیستی

یا

دستورالعملی و شاپلونی

در محیط حسابرسی

رواج پیدا کرده است



ارزش منصفانه دارایی پیدا کند.

اینها مواردی است (حدود دوازده مورد) که استانداردهای حسابداری و بیشتر چارچوبهای گزارشگری، افشای آنها را الزامی کرده‌اند ولی به‌کارگیری آنها در صورتهای مالی شرکتها به‌نحو مناسب انجام نمی‌شود.

در کل، شرکتها در تهیه صورتهای مالی و یادداشتهای توضیحی، بیش از حد لازم به اعداد چسبندگی دارند؛ یعنی موارد افشا در مورد اعداد را خیلی خوب پیش می‌برند و ارقام ارائه‌شده در صورتهای مالی را، تا آنجا که ممکن است به‌صورت درختی در یادداشتهای توضیحی تجزیه و حتی بیش از حد لازم افشا می‌کنند، ولی آن اطلاعات کیفی و توصیفی و نوشتاری را اغلب مشکل داریم؛ یا توصیفها خوب انجام نمی‌شود، و اگر انجام می‌شود، فقط به صرف این است که عنوانش در استانداردها یا در فرم نمونه صورتهای مالی آمده است. برای مثال، راجع به رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه، آن عنوان را می‌نویسند ولی بیشتر شرکتها، آن طور که باید و شاید به‌نحو مناسب آنها را افشا نمی‌کنند. یا همین‌طور، در معامله‌ها با اشخاص وابسته، استفاده‌کننده باید بداند این شرکت فرعی کجاست؟ زیرمجموعه‌های آن چه شرکتی هست؟ حتی اگر معاملاتی نداشته باشد.

البته در بحث ارائه و افشا، این که استفاده‌کننده کیست، بسیار اهمیت دارد. در تغییرهایی که در مفاهیم نظری جدید در دست انجام است، دامنه استفاده‌کنندگان کمی محدود شده است و تأکید هم بر اطلاعاتی است که برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی با مقاصد عمومی تنظیم می‌شود.

✓ دکتر مکرمی

استانداردهای حسابداری ایران، به‌طور دقیق موارد افشا در یادداشتهای توضیحی را شرح داده است. بسیار دقیق؛ یعنی اصلاً ابهام در آن نیست. چرا حساب‌رسان، که اتکای‌شان در حسابرسی و رعایت موارد افشا، به استانداردهای حسابداری است، نسبت به کاستیهای افشا برخورد نمی‌کنند؟

✓ اسدی

متأسفانه حسابرسی چک‌لیستی یا دستورالعملی و شابلونی، در محیط حسابرسی رواج پیدا کرده است، و شاید یکی از

که بانک مرکزی منتشر کرده است، بیشتر به‌شکل افشا توجه شده، و به‌طور عمده، ریسکها را تعریف می‌کنند. به افشای «نبود اطمینان بااهمیت در ارتباط با تداوم فعالیت» کمتر توجه شده است و در بیشتر مواردی که واحدهای تجاری متوقف شده‌اند، به‌ندرت در سالهای قبل از آن، افشای مناسب وجود داشته است.

در مورد افشای «معاملات با اشخاص وابسته» که در صورتهای مالی نمونه داریم، بیشتر شکلی یا مکانیکی برخورد می‌شود، در حالی که خیلی از مشکلات، نشأت‌گرفته از همین معاملات با اشخاص وابسته است. یعنی اگر معامله‌های اشخاص وابسته به‌نحو مناسب افشا می‌شد، شاید خیلی از استفاده‌کنندگان گمراه نمی‌شدند که سهامی را بخرند و بعد از طریقی بفهمند که در نتیجه معامله‌های اشخاص وابسته آن سهم کاهش ارزش شدید پیدا می‌کند؛ یا در مورد پاداش جبران خدمات مدیران در استانداردهای حسابداری ایران چیزی نداریم و افشایی را در این رابطه انجام نمی‌دهیم.

همچنین، افشای اطلاعات در مورد «رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه» و «داراییها و بدهیهای شناسایی نشده» که به‌دلیل این که معیارهای شناخت در صورتهای مالی را به‌طور کامل نداشته، شناسایی نشده است، از دیگر موارد افشای ضروری می‌باشد. زیرا این اطلاعات برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی سودمند است. یکی دیگر از کمبودها، اینست که در صورتهای مالی نمونه، جایی برای افشای «سیاستها و روشهای مدیریت ریسک» در نظر نگرفته‌ایم. «هدفها، خط‌مشی‌ها و فرایندهای مدیریت سرمایه»، در یادداشتهای توضیحی افشا نمی‌شود. در مورد روش به‌کاررفته برای مدیریت ریسک در ابزار مالی، افشای مناسبی در صورتهای مالی انجام نمی‌شود تا استفاده‌کننده آگاه شود و بتواند در تصمیم‌گیری‌هایش استفاده بکند.

«افشای ارزش منصفانه مبالغ ثبت‌شده براساس مبنای اندازه‌گیری متفاوت»، در رابطه با سرمایه‌گذاری در سهام پذیرفته‌شده در بورس، انجام می‌شود ولی برای داراییهای دیگر، با توجه به این که بازاری کارا، که در آن قیمتها مشخص شود، وجود ندارد، افشای دقیق و درستی صورت نمی‌گیرد تا استفاده‌کننده درک روشنی از وضعیت

ضعفهای اساسی همین است. یعنی برای افشا، تیتراهایی در چک لیست داریم، بله-خیرها، را تیک می‌زنیم. اتفاقاً تأکید مفاهیم نظری، بیشتر روی قضاوت است؛ این که قضاوت کنیم که چه اطلاعاتی ممکن است یا انتظار می‌رود که در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان مؤثر واقع بشود و روی تصمیم‌های آنها تأثیر بگذارد.

خوب، این چک لیستها، قدرت ابتکار و قضاوت را از حسابرس گرفته است، و جامعه حرفه‌ای به موضوع قضاوت و ارتقای این شایستگی در حسابداران و حسابرسان توجه زیادی نداشته است. حسابداران حرفه‌ای باید بیشتر از اینها با قضاوت حرفه‌ای آشنا شوند. شاید لازم باشد در جامعه حرفه‌ای، در مورد مبحث قضاوت حرفه‌ای بیشتر کار کنیم.

✓ بهبودی

چرا صورتهای مالی فاقد اطلاعات کافی است، یا اطلاعات کافی و مرتبط کم ارائه می‌شود، و چرا حسابرسان ما به این کم، بسنده می‌کنند. شاید ضرورت دارد حسابرس درباره رشته صنعت شرکتی که حسابرسی می‌کند، اطلاعات بیشتری داشته باشد. صنعت را باید بتوانند بشناسند. در رشته‌های پزشکی، حقوق و رشته‌های فنی-مهندسی، زیررشته‌های مختلفی را می‌بینیم؛ ولی در رشته حسابرسی، حسابرس صنعت و معدن، حسابرس پتروشیمی و صنایع شیمیایی نداریم. یا اگر حسابرسانی در زمینه خاص صنعت کار کرده‌اند، اگر جابه‌جا بشوند، تجربه‌هایشان در مؤسسه حسابرسی پایدار باقی نمی‌ماند.

اگر حسابرسان در رابطه با صنعت، اطلاعات داشته باشند، به‌طور قطع اطلاعات کافی‌تری را از شرکت گزارشگر مطالبه خواهند کرد، یا از افشای اطلاعات اضافی و غیرمؤثر در تصمیم‌گیری، یا اطلاعات تکراری جلوگیری خواهند کرد، و کیفیت گزارشگری بالاتر خواهد رفت.

برای مثال، در یک گزارش مالی، درباره منابع تأمین مالی توضیح داده شده بود که پروژه‌ها از کجا می‌خواهد تأمین مالی بشود. شرکت، اسم ۱۲۰ بانک را که در آنها حساب داشت نوشته بود که منابع مالی را از آن بانکها تأمین مالی می‌کند. پرسش این نبود که منابع مالی را کجا نگهداری می‌کنید، یا با کدام بانکها دادوستد دارید، در واقع پرسش این

بود که این پروژه‌ها را از کدام منابع تأمین می‌کنید؟

بحث دیگر این است که در جامعه استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی، وقتی صورتهای مالی یک شرکت بورس را در مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی بورس می‌بینند، تلقی این است که اطلاعات منتشر شده، به‌صرف این که در مرکز اطلاع‌رسانی اینترنتی افشا شده است، اتکاپذیر و درست و کامل است، حال آن که، از آن چه که بر مسئولیت حسابرس گذاشته شده است، چنین چیزی برداشت نمی‌شود.

در مورد صورتهای مالی، وقتی که مهر حسابرسی می‌خورد زیر صورتهای مالی، تلقی استفاده‌کنندگان و اکثر فعالانی که در بازار هستند، اعم از استفاده‌کنندگان تخصصی مثل بانکها و مراجع دولتی، و سهامداران، که تعدادشان هم خیلی زیاد است و به‌لحاظ کمیتی بیشترین آمار استفاده‌کنندگان صورتهای مالی را در واقع خریداران و فروشندگان سهام تشکیل می‌دهند، این است که حسابرس با دقت ارقام ارائه‌شده و اطلاعات افشاشده را رسیدگی و درباره آنها قضاوت کرده و گزارش داده است.

✓ دکتر مکرمی

شرکت شما به‌عنوان یک واحد گزارشگر، رتبه اول افشای اطلاعات را در میان شرکتهای سرمایه‌گذاری به خود اختصاص داده است. شرکت، حداقل هر سال یک صورت مالی اساسی تهیه و منتشر می‌کند. آیا این صورت مالی از نظر ساختار و شکل اطلاعات هر سال مشابه سال قبل است یا هر سال، برای ارائه اطلاعات بهتر برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان، ابتکارهایی در نحوه ارائه اطلاعات و محتوی اطلاعات وجود دارد؟

در این اواخر، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری گزارشگری را از ابتکارهای گزارشگری مالی شرکتهای پیشرو منتشر کرده است. بعضی شرکتهای، در افشای اطلاعات در یادداشتهای توضیحی، ابتکار به خرج داده‌اند و سه روش را مطرح کرده‌اند؛ یکی، تأکید بر اطلاعات کمی و تحلیل اقلام صورتهای مالی به ترتیب نمایش آنها در صورتهای مالی (همان روشی که در صورتهای مالی نمونه سازمان حسابرسی به‌کار می‌رود)، دیگری تهیه یادداشتهای توضیحی براساس بندهای استانداردها، به ترتیب از استانداردها

بهبودی :

اگر چند دوره

صورت‌های مالی را

کنار هم بگذارید

عنوانها و زیرعنوانها

عیناً یکی است

و فقط

اعداد تغییر کرده است



شرکت بزرگی مانند ارتباطات سیار، وقتی رقیبی مثل ایرانسل و رایتل دارد، باید آنها هم بررسی بشوند. اگر این سه رقیب، در این صنعت، هر سه بررسی بشوند و هر سه وادار به افشای اطلاعات یکسان بشوند، آنگاه اگر دیگران هم نخواهند، شرکت ما در افشای اطلاعات با کیفیت‌تر پیشقدم خواهد شد، کما این‌که الان هم پیشقدم هست.

اگر کسی بخواهد اطلاعات با کیفیت‌تر افشا بکند می‌تواند؛ ولی برای افشانکردن هیچ منعی وجود ندارد و هیچ‌گونه اعتراضی هم تا حالا نشده است. در واقع، ما بیشتر در صورت‌های مالی و یادداشتهای توضیحی، آمار ارائه می‌دهیم و از تشریح این آمار، معنی آنها و دلایل کم یا زیاد شدن آنها، و از آنها مهم‌تر تأثیر آمار بر آینده، خبری نیست.

✓ دکتر اسلامی بیدگلی

ابتدا به چند نکته اشاره کنم. اول این‌که اقتصاد ایران در اساس اقتصاد غیرشفافی است. یعنی به نظر می‌رسد که بسیاری از شرکتها همین میزان افشایی هم که انجام می‌دهند، از سررفع تکلیف است. اگر نهادهای نظارتی و الزامهای قانونی وجود نداشت، تمایلی به همین مقدار افشا هم نبود. دلایل مختلفی هم وجود دارد؛ مثل بزرگ بودن اقتصاد

۱ به بعد، و سوم، تهیه یادداشتهای توضیحی براساس اهمیت اطلاعات شرکت و نوع صنعت، یعنی این‌که اولین بند افشا مربوط به بااهمیت‌ترین افشا است و به ترتیب بندهای بعدی به موضوعهای با اهمیت کمتر اختصاص داده می‌شود.

آیا هر صورت مالی شرکت شما به تأمین نیازهای اطلاعاتی سودبران توجه خاص دارد؟ یا از یک کلیشه معین استفاده می‌شود و هر سال مانند سال قبل است؟

✓ بهبودی

واقعیت قضیه این است که این توانمندی و این استعداد در شرکت ارتباطات سیار وجود دارد که صورت‌های مالی هر دوره نسبت به دوره قبل از ویژگیهایی برتری و بالاتری برخوردار باشد، اما چرا این اتفاق نمی‌افتد؟ چون استانداردهای حسابداری حداقل افشا را مطرح کرده است. صورت‌های مالی ما هم همیشه مقبول بوده، چرا؟ آن حداقل‌ها را به شکل کامل و دقیق رعایت کرده‌ایم. اگر شما شش دوره، بلکه ده دوره، صورت‌های مالی ما را کنار هم بگذارید، عنوانها و زیرعنوانها عیناً یکی است و فقط اعداد تغییر کرده است. شما اگر آن روند را پیش بگیرید شاید صورت‌های مالی سه سال آینده ما را هم بتوانید پیش‌بینی بکنید.

✓ دکتر مکرمی

یعنی شما اعتقاد دارید که نیاز برای ارائه اطلاعات باکیفیت بیشتر وجود دارد و توان آن نیز موجود است، ولی نه حسابرس می‌خواهد، نه مجمع، نه مدیر، نه بورس، و نه هیچکس دیگر. همه با وضع موجود راحت‌تر هستند. نمی‌دانم درست گفتم یا نه؟

✓ بهبودی

واقعیت همین است. چرا؟ چون به ما گفته شده دروغ نگوئید! نگفتند که همه راست را هم بگوئید. خوب، اگر بخواهیم تمامی اطلاعات را افشا کنیم، در مقابل، ما یک سری رقیبانی داریم که در بورس نیستند، و این فرصت را ما به آنها می‌دهیم که بتوانند از اطلاعات ما، برنامه‌های ما، راهبردهای ما، نسبت به آینده مطلع بشوند، و ممکن است قبل از این‌که ما اقدام به هر عملی بکنیم آنها جلوتر از ما سهم بازار را بگیرند و این ریسک است. یعنی فضای افشای اطلاعات در شرایط مساوی نیست.

دولتی. در گزارش‌های بین‌المللی، ما در کیفیت فضای رقابت وضعیت بسیار نامناسبی داریم، رتبه ۱۷۳ در بین ۱۸۰ کشور! دلیل دیگر، بی‌امتیاز بودن حضور در بازار سرمایه است. شرکت ارتباطات سیار، در بورس هست و بقیه نیستند. از پذیرش در بورس چه امتیازی به دست می‌آید؟ اگر اقتصاد کشور به این سمت برود که هیچ تأمین مالی بزرگی از طریق بانکها صورت نگیرد، آن وقت شرکتی که ۵۰ میلیارد تومان پول بخواهد باید در بورس ثبت و لیست شود و چاره دیگری ندارد؛ این امکان تأمین سرمایه، به خودی خود، فضای رقابتی را باز می‌کند.

عمق کم بازار سرمایه هم اثرگذار است، برای این که وقتی عمق بازار کم است، بیشتر، اخبار اهمیت دارند تا تحلیلها. بنابراین، سودبران منتظر این نمی‌شوند که ۳ ماه یا ۶ ماه یا یکسال صبر کنند تا صورت‌های مالی منتشر شود و تصمیم‌های خود را به آن وابسته کنند، زیرا، تصمیم‌گیرنده در چنین بازار کم‌عمقی، که تصمیم‌های آینده‌نگر کمتر اهمیت دارد، همه چیز را از دست می‌دهد. در چنین بازاری، خبر مهمتر است. به همین دلیل، همه ما که در بازار سرمایه هستیم، می‌دانیم که فروش تحلیل اطلاعات چقدر مشکل است و فروش خبر چقدر آسان! یعنی، شما یک کانال تلگرامی راه بیندازید؛ که نه اسم دارد، نه رسم دارد. بعد هم شروع کنید خبر تولید کنید، تعداد اعضای آن مثلاً در ده روز به صد هزار می‌رسد، ولی اگر مهمترین تحلیل‌های صنایع را ارائه بدهید، اصلاً هیچ‌کس به شما توجه نمی‌کند.

به چهار دلیل، در بازارهای جهان، مسائل افشا و اطلاعات مالی پراهمیت‌تر از اقتصاد ایران است.

یکی خواست مدیران است. یعنی وقتی مدیران تصمیم گرفتند شرکت را بورسی کنند، خودبه‌خود، پذیرفته‌اند که باید شفاف باشند و دودفتره بودن معنا ندارد.

دوم، به طور طبیعی شرکت‌هایی که وارد بورس می‌شوند الزام‌های افشای بیش از الزام‌های استانداردهای حسابداری دارند. شرکت‌های بورسی ملزم می‌شوند بسیاری از اطلاعاتی که به‌ضرورت مالی هم نیستند، برای مثال، امکان اخذ قراردادهای بین‌المللی، را افشا کنند.

سوم، نیاز سرمایه‌گذاران است. در بازار سرمایه، در اساس، سطح نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران فراتر از حسابرسی

است. یعنی من بعضی وقتها شرکتی را که سهامدارش هم نیستیم، نگاه می‌کنم. برای این که رقیب شرکتی است که من سهامدارش هستم، و می‌خواهم ببینم اوضاعش چطور است. اثر افزایش قیمت دلار در صورت‌های مالی آن چگونه است. بنابراین، نیازها هم بیشتر است و توجه تحلیلگران هم به‌طور طبیعی خیلی خیلی بیشتر است. برای مثال اگر شرکت بورسی اشتباهی در حساب‌هایش داشته باشد، زمان پیداشدنش اصلاً قابل مقایسه با شرکتی نیست که بورسی نیست؛ یعنی فردا صبح، پس فردا و یا یک هفته دیگر، در یک روزنامه می‌نویسند که اعداد اشتباه است. بنابراین، خودبه‌خود درجه افشا در بازار سرمایه در اساس بیش از بقیه بخشها است.

چهارم، برخی از اطلاعات پراهمیت برای سرمایه‌گذاران در صورت‌های مالی نیستند، و بسیاری از اطلاعات هم در صورت‌های مالی به‌صورت کیفی نمی‌آیند. آنچه در صورت‌های مالی براساس استانداردها و صورت‌های مالی نمونه ارائه و افشا می‌شود، بخش بزرگی از نیازها را برطرف می‌کند، اما حتی در وجه مالی هم به‌نظر می‌رسد که برخی از صنایع نیاز به گزارشها و اطلاعات و موارد افشای خاص خود دارند. برای نمونه در حوزه بانکداری، ریسک داراییها و بدهیهای مالی بسیار مهم است که در اساس در صورت‌های مالی نمونه دیده نمی‌شود.

من به‌عنوان سرمایه‌گذار و سهامدار، می‌گویم من نیاز به اطلاعات فنی دارم، نیاز به اطلاعات راهبردی دارم، نیاز به حتی اطلاعات سیاسی و اقتصادی دارم. خوب به‌طور طبیعی اینها، در صورت‌های مالی شرکت دیده نمی‌شود.

✓ دکتر مکرمی

پرسش بعدی را مطرح می‌کنم. در گزارشگری مالی یکی از دغدغه‌ها، بحث اهمیت است. درباره موضوع اهمیت، هم از دیدگاه کلان و هم از دیدگاه خرد، خیلی بحث شده است. با این همه، به‌نظر می‌رسد برای واحد گزارشگر و حسابرس، به‌طور دقیق روشن نیست که چه اطلاعاتی با اهمیت است و باید منتشر شود، و چه اطلاعاتی بی‌اهمیت است و ضرورتی ندارد که منتشر شود. در مورد مفهوم اهمیت و نحوه کاربرد آن ابهام وجود دارد. آیا در ایران، در گزارشگری مالی، با مشکل اهمیت روبه‌رو هستیم؟

حسابداری در رابطه با مرز بااهمیت و بی‌اهمیت وجود ندارد. در ویژگی‌های کیفی اطلاعات، اهمیت آستانه است، یعنی نقطه انقطاعی است که از آن به بعد استانداردهای حسابداری باید رعایت شوند. تا قبل از آن آستانه، با اطلاعات بی‌اهمیت خیلی کاری نداریم، چون می‌گوییم بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تأثیری ندارد، و درباره چگونگی افشا و رعایت استانداردهای حسابداری در رابطه با اطلاعات بی‌اهمیت خیلی حساسیت به خرج نمی‌دهیم. بنابراین، بااهمیت بودن اجازه می‌دهد تا یک شرکت استانداردهای حسابداری انتخاب‌شده را نادیده بگیرد، در حالی که همچنان کارایی فعالیت حسابداری مناسب است.

اهمیت را در موضوعهای مختلف به‌کار می‌بریم؛ در «به‌کارگیری استانداردهای حسابداری»، در «معاملات جزئی» یا برای «سرمایه‌ای کردن مخارجی» که انجام می‌دهیم. برخورد متفاوت با سطح اهمیت، مقایسه‌پذیری صورتهای مالی را خدشه‌دار می‌کند، و گاهی در گزارشگری مالی از ابزار سطح اهمیت برای مدیریت سود استفاده می‌کنند و این‌که چه مبلغی به دارایی منظور شود یا به هزینه.

✓ دکتر مکرمی

بسیار خوب. نگاه ایشان نگاه حسابرسی بود. به‌عنوان واحد گزارش‌گر و تهیه‌کننده صورتهای مالی، با دریای عظیمی از داده‌هایی که در دست است، صورتهای مالی تهیه می‌شود. چه داده‌هایی کنار گذاشته می‌شود و از چه داده‌هایی استفاده می‌شود؟ مبنای چیست؟ در اصل، بحث اهمیت در تهیه صورتهای مالی تا چه حد مشکل درست می‌کند؟

✓ بهبودی

همانطور که اشاره شد، اهمیت، موضوعی کیفی است و به‌همین جهت باید با قضاوت همراه باشد، در حالی که کوشش حسابداران و حساب‌رسان این است که آن را به شکل صفر و یک ببینند و از قضاوت دور کنند. سطح اهمیت هم یک مسئله نسبی است. یعنی، تنها به مبلغ فروش و مبلغ دارایی یا مبلغ سود بستگی ندارد که به کمک این ارقام برای اهمیت، آستانه محاسبه کنیم. باید دید داخل شرکت، و بیرون شرکت یعنی بازار، چه حساسیتی نسبت به اطلاعات وجود دارد.

✓ اسدی

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در تعریف اهمیت می‌گوید: اطلاعات با اهمیت است، اگر ارائه‌نشدن، ارائه‌نادرست یا مبهم آن، به‌طور منطقی انتظار رود روی تصمیم‌هایی که استفاده‌کنندگان اصلی گزارشگری خاص صورتهای مالی با مقاصد عمومی واحدهای تجاری، بر مبنای این صورتهای مالی می‌گیرند، تأثیر بگذارد.

بحثی که وجود دارد این است که اهمیت، یک موضوع کیفی است، و این‌که می‌خواهیم اهمیت را کمی کنیم، همین یکی از مشکلات اساسی است. سازمان حسابرسی دستورالعملی در رابطه با محاسبه سطح اهمیت داده است. حساب‌رسان با استفاده از یک جدول، عددی را به‌عنوان سطح اهمیت به‌دست می‌آورند و آن را به‌صورت مکانیکی مینا قرار می‌دهند. در حالی که اهمیت یک موضوع کیفی است، و نیازمند قضاوت است. قضاوت کنیم که چگونه این یا آن اطلاعات در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان مؤثر است.

در توضیحات هیئت استانداردها درباره تغییرات انجام‌شده در تعریف اهمیت آمده است که: بااهمیت بودن به ماهیت یا بزرگی اطلاعات، یا هر دو، وابسته است. یک واحد تجاری ارزیابی می‌کند که آیا اطلاعات، به‌صورت جداگانه یا در ترکیب با اطلاعات دیگر، در زمینه صورتهای مالی آن، بااهمیت است یا خیر. اطلاعات بااهمیت اگر به‌طور واضح اطلاع‌رسانی نشود، ممکن است مبهم باشد، برای نمونه اگر آن اطلاعات با اطلاعاتی بی‌اهمیت پوشانده شود؛ یک تحریف بااهمیت است، اگر به‌طور منطقی بتوان انتظار داشت که آن اطلاعات بر تصمیم‌های گرفته‌شده از سوی استفاده‌کنندگان اصلی تأثیر داشته باشد.

در تحقیقات بین‌المللی این نتیجه به‌دست آمده است که مشکلات مرتبط بااهمیت، مربوط به تعریف اهمیت نیست و بخش عمده مشکلات، مشکلات رفتاری است. یعنی این‌که تهیه‌کنندگان و حساب‌رسان بیشتر مایلند که رهنمود مشخص و مقداری و کمی در مورد سطح اهمیت داشته باشند و به‌کار بگیرند. در حالی‌که هیچ‌جایی در رهنمودهای بین‌المللی خط جداکننده، هرگز بین بااهمیت بودن و بی‌اهمیت بودن مشخص نشده است و هیچ رهنمودی در استانداردهای

چیزها را افشا نکند. طبیعی است که چون سلیقه‌ها و نظرها هم مختلف است، اگر فرمول نگذاریم ممکن است نتوانیم موضوع را جمع‌وجور کنیم.

با نگاه مهندسی، فکر می‌کنم در مورد مسائل بااهمیت می‌توانیم به سه سطح برسیم. یک سطح که درباره اهمیت آن اتفاق نظر جدی وجود دارد، که این یا آن اطلاعات، بااهمیت است یا بی‌اهمیت. بحث درباره آن هاله خاکستری وسط است که یک عده اطلاعات معینی را بااهمیت و عده دیگری همان اطلاعات را بی‌اهمیت قلمداد می‌کنند.

من برگردم به حوزه بازار سرمایه که در آن فعالیت می‌کنم. حوزه بازار سرمایه، یک خاصیت‌هایی دارد و آن خاصیتها، به نظر من، برای سیاستگذاری و تدوین استاندارد، سودمند است.

یکی این که شرکت‌های بورسی به‌طور مرتب، گزارشگری می‌کنند و حساسیت سرمایه‌گذاران به انواع مختلف موارد افشا و اعلامیه‌ها تقریباً قابل محاسبه و مشخص است. یعنی اگر سوابق اطلاعات منتشرشده در یک صنعت را بررسی کنیم می‌توانیم تشخیص بدهیم که به‌نظر این صنعت چه اطلاعاتی بااهمیت تلقی می‌شوند.

راهکار این است که سطح یادگیری را در این قضاوت‌های کیفی به‌طور مستمر افزایش بدهیم و افشا، به‌منظور مشخص در چندین سطح صورت بگیرد، و بعد برای هر سطح، استاندارد و یا الزام‌هایی تعیین شود.

این کاری است که در عمل در دستورالعمل افشای سازمان بورس دارد انجام می‌شود؛ اما آن دستورالعمل هم اشکالهایی دارد. یکی از اشکالهای این است که صنعت به صنعت نگاه نکرده و اسیر این قالب‌بندی شده، ولی به هر حال به‌نظرم مسیر خیلی بهتری را طی می‌کند. برای مثال آرام‌آرام تشخیص داده که چه نوع اطلاعاتی برای صنعت خودرو و برای مشتریان صنعت خودرو و سرمایه‌گذاران و سهامداران آن بااهمیت است.

✓ دکتر مکرمی

آیا صورتهای مالی، کماکان اعتبار خاص خودش را در بازار دارد؟ آیا اطلاعات صورتهای مالی مبنای تصمیم‌گیری بازار قرار می‌گیرد؟

به‌نظر من، مشکل از خود بحث اهمیت نیست، بلکه ضرورت دارد که حسابدار یا حسابرس، اطلاعات و تسلط کافی نسبت به پیچیدگیهای صنعتی که در آن کار می‌کند داشته باشد. یعنی حسابرسان در ارتباط با مسائل شرکت، به تأثیر رویدادهای مالی در داخل و بیرون شرکت آگاه و یک نگاه جامع به بحث سطح اهمیت داشته باشند.

برای مثال، فرض کنید سهام یک شرکت فرعی را می‌خواهیم بخریم، و می‌خواهیم آنجا افزایش سرمایه بدهیم. صرف این که آیا افزایش سرمایه گزارش داشته یا نداشته، این یک بحث است؛ آثار و تبعات مالی که این افزایش در آینده در شرکت یا گروه ایجاد می‌کند، بحث دیگری است. بحث اهمیت، بیشتر تنها در ارتباط با صورتهای مالی همان دوره، مطرح می‌شود، حال آن که اهمیت یک رقم یا قلم ممکن است که آثار درازمدت‌تری داشته باشد.

بحث دیگر این است که حسابدار یا حسابرس لازم است تک‌تک اقلامی را که به‌نظر او سطح اهمیت پایینی دارند، کنار هم بگذارد و ترکیب آنها را نیز از نظر اهمیت در مجموع بسنجد. درست است که یک خبر ممکن است کوچک باشد، یک اتفاق خیلی کوچک و جزئی باشد، که افشای آن در صورتهای مالی اهمیت نداشته باشد، ولی آثاری که در دوره‌های بعد می‌گذارد، به‌دلیل ضریب نفوذ یا به اصطلاح اثر پروانه‌ای آن، ممکن است درخور توجه باشد.

✓ دکتر اسلامی‌بیدگلی

مشکل مشخص است! مشکل در نبود توافق برای این است که چه چیزی بااهمیت است و چه چیزی بی‌اهمیت. یعنی توافق نظر یکسان، یا حتی نزدیک به یک توافق نظر، در محدوده رقم مشخص، بین افراد مختلف و بعد بین سودبران مختلف وجود ندارد. یعنی از نظر مدیر ممکن است یک چیزی بااهمیت تلقی شود و از نظر من سرمایه‌گذار، چیز دیگری.

این مسئله مهمی است، و حساسیت موضوع هم مشخص است. اگر برای آستانه اهمیت فرمول بگذاریم، ممکن است برخی از مسائل کیفی به‌ظاهر کم‌اهمیت، افشا نشود، و اگر هم فرمول نگذاریم، فرصت ایجاد می‌شود که شرکت بعضی

دکتر اسلامی بیدگلی :



در ایران

مؤسسه حسابرسی

معتبری

که

اعتبار بین‌المللی داشته باشد

نداریم

که به شکل سهام پذیرفته شده در بورس است، برای بقیه هیچ بازاری نداریم که بتوانیم ارزش منصفانه را تعریف کنیم. ارزیابی به کمک کارشناسی هم هیچ‌گونه اتکاپذیری ندارد.

علاوه بر این، نبود سیستم‌های اطلاعاتی و حسابداری یکپارچه یکی از مشکلات اساسی برای تهیه اطلاعات سودمند است. یکی دیگر از چالشها، موضوع استاندارد ۱۲ و بحث مالیاتی است که حل نشده باقی مانده است. به جز این موارد، در ارائه و افشا، مشکل خاصی نمی‌بینم؛ اگرچه مشکلات موارد افشای الزام‌آور بیشتر می‌شود، ولی تهیه آنها برای واحد گزارشگر و کارشناسان مالی آنها خیلی سخت نیست.

مدیران شرکتها در ایران عادت ندارند که طرح و برنامه مدون تهیه نموده و براساس آن حرکت کنند. در نتیجه، مدیران مطلب زیادی برای گفتن درباره راهبردها و سیاستهای مدیریت در دوره‌های میان‌مدت و درازمدت پیش‌رو، ندارند. در چنین شرایطی، طبیعی است که مدیریت ریسک هم معنایی ندارد.

✓ دکتر اسلامی بیدگلی

به دلایلی، هنوز می‌شود گفت این اطلاعات دارای اعتبارند. یکی این است که بازار سرمایه ما به‌ویژه در این حوزه، جوان است. گاهی پیش می‌آید که سازمان بورس به فاصله چند روز الزامهای افشای متفاوتی را اعلام می‌کند. بنابراین، در این حوزه ما هنوز در حال یادگیری هستیم.

بورس تجربه‌های خوبی را دنبال می‌کند؛ برای صنایع مختلف، الزامهای نمونه ایجاد می‌کند. به‌نظرم سازمان حسابرسی هم می‌تواند به بورس کمک کند، برای این که این الزامها را قوی‌تر کند. به‌همین دلیل، باید برای افشا، سطوح مختلف تعریف بشود، برای این که تناقضی بین الزامهایی که نهادهای ناظر مختلف دارند به‌هیچ‌وجه وجود نداشته باشد. تا زمانی که این فرایند کامل شود، در مجموعه بازار سرمایه، همان صورتهای مالی و استانداردهای قدیمی هم پراهمیت هستند.

✓ دکتر مکرمی

به پرسشش بعدی پیردازیم. چند سالی است که در ایران، ضرورت گزارشگری مالی براساس استانداردهای بین‌المللی مطرح شده است و وارد مسیر گذار از استانداردهای ملی به بین‌المللی شده‌ایم. در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، افشای اطلاعات، در شکل و محتوا، بسیار گسترده است و هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی، نسبت به آنچه که طبق استانداردهای ایران انجام می‌شود، تحول چشمگیری دارد.

اگر قرار باشد استانداردهای بین‌المللی را به کار بگیریم، در ارتباط با افشای اطلاعات، آیا با مشکل روبه‌رو می‌شویم؟ آیا در اصل به آن نیاز داریم؟ آیا مسئله‌ای هست که باید مراقب آن باشیم و برایش تدبیر کنیم؟

✓ اسدی

در رابطه با به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از نظر شکل و محتوای ارائه و افشا، خیلی مشکلات اساسی و حادی نمی‌بینم. مشکلاتی اگر داریم همان مشکلاتی است که در صورتهای مالی کنونی مبتنی بر استانداردهای ملی هم داریم. در صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی، بیشتر مشکلات مربوط به اندازه‌گیری هاست که در ارائه و افشای ارزش منصفانه به آن نیاز داریم. به جز یک‌سری محدود از داراییها

در مورد ریسک، مفاهیم ریسک، مدیریت ریسک، به‌ویژه در صنعتی که در دست رسیدگی دارد، مسلط باشد، تا هیئت‌مدیره بانک را در ارتباط با محاسبات برآوردها و ریسک به چالش بکشد.

برای حل این مشکلات باید آموزش بدهیم، کلاس بگذاریم، هم در سطح مدیریت، هم برای هیئت‌مدیره؛ چون ریسک به‌طور مستقیم به هیئت‌مدیره مربوط می‌شود. به حسابرسها هم باید ریسک را آموزش بدهیم. در مورد ریسک باید خیلی کار کنیم، توضیح بدهیم، آموزش بدهیم؛ و بعد برویم سراغ آموزش ارزیابی ریسک که چگونه می‌شود ریسکها را ارزیابی کرد، یا مدیریت ریسک دنبال چیست.

✓ بهبودی

بزرگترین مشکل فعلی ما، کمبودهای آموزشی است. کافی نیست که حسابداران و یا حسابرسان، آموزش ببینند که چگونه بر پایه استانداردهای بین‌المللی، گزارشگری کنند. باید ببینیم آیا استفاده‌کنندگان هم توان جذب آن اطلاعات را دارند یا نه؟ برای مثال، در ارتباطات سیار، بخشی از داراییها در سالهای مختلف با نرخ ارز مختلف، تأمین شده است، یعنی اگر از ۱۰ سال پیش حساب کنیم ارزش دفتری آنها بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان است. حالا اگر بنا باشد این ۱۰ هزار میلیارد تومان را با هر روشی تجدید ارزیابی کنیم، ممکن است ۳۰ هزار میلیارد تومان ارزش داشته باشد. آیا استفاده‌کننده بیرونی، متوجه پیچیدگیها و تفاوت ارزش دارایی به قیمت تمام‌شده و به ارزش منصفانه و آثار آن می‌شود؟

از این مسائل اگر بگذریم، به‌نظر من شرکت ارتباطات سیار مشکلی را که ممکن است بسیاری از شرکتها برای تهیه گزارش مالی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی داشته باشند، ندارد. چون شرکت به‌اندازه کافی از شفافیت لازم، در ارائه اطلاعات براساس ارزیابیهای سازمان بورس تهران برخوردار است. خوشبختانه، تعامل بسیار خوب بین مدیران اجرایی و هیئت‌مدیره و سهامداران، کمک کرده که کارها با شفافیت انجام شود. در واقع اصطحکاک منافع بین مدیران و سهامداران وجود ندارد. از این‌رو ما برای تهیه گزارشهای مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی مشکل خاصی نداریم. در واقع استانداردهای بین‌المللی تأکید بسیار زیادی بر شفافیت و

هیئت‌مدیره، برنامه مدونی برای آینده ندارد که بخواهد ریسک آن را شناسایی یا مدیریت کند. در نتیجه، مطلبی هم برای گفتن درباره مدیریت ریسکهای کسبوکار، که در صورتهای مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد، نخواهد داشت.

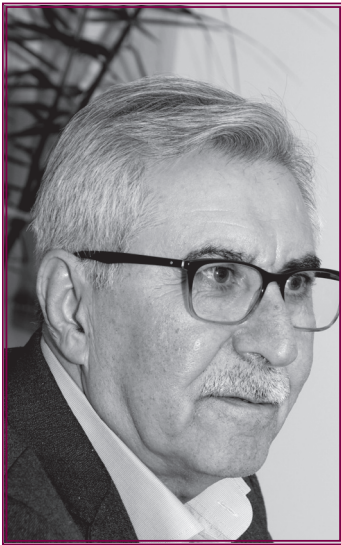
✓ دکتر مکرمی

آیا حسابرسان، به ابزار لازم برای حسابرسی صورتهای مالی منتشرشده به‌وسیله واحد گزارشگر، در انطباق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مجهز هستند؟ هنوز در گامهای اول این تجربه هستیم. آیا حسابرسان با مشکل اساسی، در رسیدگی به صورتهای مالی که براساس چارچوب بین‌المللی تهیه شده باشد، روبه‌رو خواهند بود؟

✓ اسدی

در حسابرسی سه موضوع را رسیدگی می‌کنیم. مانده حسابها، گروه معاملات، و افشا. حسابرس وظیفه دارد موارد افشا در یادداشتهای توضیحی صورتهای مالی را کنترل کند که الزامهای استانداردهای حسابداری، رعایت شده باشد. اینجا مشکلی وجود ندارد؛ چون استاندارد بین‌المللی در کنار حسابرس است، و او به کمک استانداردهای حسابرسی، رسیدگی خود را انجام می‌دهد. ضمن این‌که، چک‌لیستی هم برایش تهیه‌شده و در اختیارش قرار گرفته و به‌احتمال زیاد آموزشهای لازم را هم دیده است. اما مشکل، جایی پیش می‌آید که مدلهای ارزیابی، قضاوتها و برآوردها، در میان است که پشتوانه می‌خواهند.

برای مثال، بیشتر بانکها نمی‌توانند راجع به تسهیلات اعطایی، اطلاعات کامل ارائه کنند. سیستم تسهیلات طوری طراحی نشده که اطلاعات کاملی راجع به تسهیلات ارائه کند؛ تاریخ آن کی بوده؟ کی سررسید شده؟ چند بار تمدید شده؟ چقدر سررسید شده؟ چقدر تاریخ‌گذشته شده؟ چه وثایقی دارد؟ نوع وثایقش چیست؟ ارزش این وثایق چگونه است؟ بنابراین، بانک نمی‌تواند برای محاسبات کاهش ارزش وامها و ریسک همراه با بازگشت اقساط وامها، شواهد کافی فراهم کند. پشتوانه اطلاعاتی برای آن وجود ندارد، و برآورد محض است. برای این‌که حسابرس بتواند آن را اثبات کند، شواهد پشتوانه‌ای یا سیستمی محکمی نیاز دارد که وجود ندارد. البته ناگفته نماند که به تعداد انگشتان دست هم نمی‌توانیم حسابرس پیدا کنیم که



دکتر مکر می :

چرا حسابرسان

که اتکای شان

در حسابرسی و

رعایت موارد افشا به

استانداردهای حسابداری

است

نسبت به

کاستیهای افشا

برخورد نمی کنند

به جز مسئله ریسک، که درباره آن صحبت شد، دو مسئله دیگر هم مطرح بود. یکی این که اگر سود هر سهم (EPS) بر مبنای چارچوب گزارشگری بین المللی با سود هر سهم بر مبنای استانداردهای ایران متفاوت باشد، بازار کدام یک را می بیند، و مجمع چگونه با دو مقدار برای یک سود برخورد می کند و تصمیم گیری چگونه خواهد بود؟

مسئله دوم هم این بود که حسابرس یا مؤسسه حسابرسی معتبری که اعتبار بین المللی داشته باشد و مجاز باشد که صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین المللی را حسابرسی کند و گزارش حسابرسی بدهد، در دسترس نبود. ما الان چند حسابرس داریم در سطح کشور که بتوانند صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی را حسابرسی کنند و گزارش حسابرس را امضا کنند، و گزارش شان برای سرمایه گذاران خارجی اتکاپذیر باشد؟

بدون تردید فکر می کنم که مشکل اصلی در کشور این است که این گونه مسائل برای ما تبدیل به بحران می شود و دلیل آن این است که نمی توانیم با نهادهای معتبر بین المللی کار کنیم.

ارائه و افشای اطلاعات درست و سودمند دارد، که اگر شرکت، به هر دلیل، شفاف نباشد، یا مدیران آن، نگاهی محافظه کارانه در ارائه و افشای اطلاعات داشته باشند، به طور قطع با مشکل روبه رو می شوند.

این مشکل احتمالی شاید در صنایع دیگر به میزان زیاد وجود داشته باشد. مشکل تهیه صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین المللی، در صنعت بیمه و بانک ممکن است بسیار حاد باشد. شرکت ارتباطات سیار، از زمانی که وارد بورس شده است، هر سه ماه اطلاعات مربوط به شرکت را منتشر می کند. اگر لازم باشد می توانیم ماهانه هم گزارش بدهیم. نمی دانم آیا این قابلیت را می توان به صنایع و شرکتهای دیگر تعمیم داد یا نه؟

✓ **دکتر اسلامی بیدگلی**

سال گذشته که سازمان بورس اوراق بهادار الزام کرد که شرکتهای بزرگ بورسی صورتهای مالی خود را بر اساس استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی تهیه و ارائه کنند، یک زمان بندی سه ماهه هم از تاریخ ابلاغیه تعیین کرد. طبیعی است چون تعداد زیادی از شرکتهای بزرگ، زیرمجموعه کانون سرمایه گذاری بودند، از کانون خواستند که نشستهایی را برای بررسی موضوع برگزار کند. البته در نهایت، آن جلسه ها به کوتاه آمدن سازمان از فرجه اعلام شده منجر گردید و کمک کردند که موضوع در روال مناسب تری قرار بگیرد.

در آن جلسه ها موضوعهایی مطرح شد که شاید مشکل برخی از شرکتهای تهیه گزارشهای مالی مبتنی بر استانداردهای بین المللی بود. اولین مسئله، موضوع ارزشیابی بود. در اساس مشکل فراتر از این بود که آیا این کار آسانی است یا سخت. مسئله اصلی این بود که نتایج ارزیابی، با ارزیابان مختلف، بسیار با هم متفاوت است، زیرا هیچ اصولی بر کار ارزیابان حاکم نیست، و ارزیابی تابع قضاوت شخصی ارزیابان است.

نکته دوم، مسئله مالیات بود. در همان حال که مسائل مالیاتی داریم، سازمان مالیاتی بی نهایت محافظه کار، و غیر پاسخگو است. یعنی برای مثال، هر نامه ساده ای در گردونه ای قرار می گیرد که دو سال بعد نمی توانید آن را پیدا کنید. و به همین دلیل، حل مشکل مالیاتی مرتبط با گزارشگری مالی اصلاً ساده نخواهد بود.

خوب بین‌المللی، دوره‌های آموزشی را به‌طور جدی، برگزار کنند. کشورمان در وضعیتی است که شرکتها می‌ترسند سراغ نهادهای بین‌المللی بروند، بنابراین آن‌ها را باید خود نهاد نظارتی، یعنی سازمان حسابرسی و یا سازمان بورس، پر کند.

ما باید دوره گذار را تعریف کنیم، یک دوره سه تا پنج ساله، و بعد تهیه صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی را اجباری کنیم.

البته این پیشنهادها در صورتی به نتیجه می‌رسد که بستر فراهم باشد، و بستر آن هم این است که شرکتها باید از ورود به بازار سرمایه، نسبت به این‌که بیرون از آن باشند، سود ببرند و منتفع شوند. آن وقت می‌توان از آنها انتظار داشت که ده درصد از آن منافع را برای رعایت مقررات بورس خرج کنند. ولی وقتی شرکتها برای حضور در بورس منفعتی ندارند، تمایلی به رعایت الزامها از خود نشان نمی‌دهند.

✓ دکتر مکرمی

از حضور شما در این میز گفتگو سپاسگزاریم. ✓

اگر کارکردن با مؤسسه‌های معتبر بین‌المللی در ایران آسان بود، به احتمال زیاد ۵۰ شرکت بزرگ بورسی خیلی برایشان مشکل نبود که هزینه آن را بدهند و از تجربه و امکانات مؤسسه‌های بین‌المللی استفاده کنند، و خروجی آن نیز نه تنها، پنجاه صورت‌مالی براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بود، بلکه حداقل ۲۰۰ حسابرس هم با فنون و ابزار کار آشنا می‌شدند. به نظر من سازمان بورس با در نظر گرفتن این واقعیت، از جای خوبی شروع کرد، چون فکر می‌کرد شرکت‌های بزرگ ظرفیت آن را دارند که بروند مشاور بگیرند و هزینه آن را تحمل کنند.

دیگر این‌که واحدهای گزارشگر، نیاز دارند برای فراهم‌ساختن داده‌های مورد نیاز برای تهیه صورتهای مالی بر مبنای استانداردهای بین‌المللی، سیستمهای نرم‌افزاری خود را توسعه بدهند. به احتمال زیاد، در دنیا نرم‌افزارهایی وجود دارد که ممکن است صورتهای مالی قدیمی را به صورتهای مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی تبدیل کند. اتفاقی که باید بیافتد این است که، سازمانهای اصلی نظارتی ما، با مسئولیت خودشان، به کمک مؤسسه‌های

